

## خالی از شوخی

### اخبار اقتصادی

خبرنگار ویژه امور اقتصادی از ایران گزارش کرده که در عرض چند هفته اخیر قیمت خانه‌های کلنگی در ایران به ویژه در تهران افزایش قابل توجهی داشته‌اند.

خبرنگار ما می‌گوید تنها استثنا در این پدیده اقتصادی «خانه سینما» است که با این که کلنگی شده و حتی از سوی وزارت ارشاد غیرقابل سکونت اعلام گردیده، ترقی قیمت زیادی نداشته و هنوز ارزش صفر تومان دارد.

### پیشنهاد به آقای فرهادی

به نظر من اگر آقای اصغر فرهادی بعد از گرفتن جایزه اسکار که کارش شبیه کوه کندن فرهاد قهرمان باستانی ایران بود برای این که سری بین سرهای سینمای جهان مخصوصا سینمای هالیوود در بیاورد باید اسمش را عوض کند. بهترین اسم ضمن این که به اسم کوچک و نام خانوادگی او لطمه زیادی وارد نمی‌آید فرهاد اسکاری است. اولاً که اسم کوچک او یک نام کاملاً ایرانی و غیر جمهوری اسلامی در می‌آید و اسکار که تبدیل شده اصغر است (و بسیاری از هموطنان با نام اصغر هم در خارج از کشور از آن استفاده می‌کنند) و «ی» هم در آخر آن که مثل اسم عربی در نیاید و کاملاً ایرانی باشد. به امید اسکارهای دیگر برای فرهاد اسکاری!

### تبریک

در آستانه نوروز باستانی فرا رسیدن «بهار عربی» را به همه خواهران و برادران عرب تبریک و تهنیت می‌گوییم.

طرفداران جنبش سبز ایران

### سؤال از رییس جمهور

بالاخره مثل این که طرح سؤال از رییس جمهور توسط نمایندگان مجلس قرار است عملی شود. نزدیکان احمدی‌نژاد می‌گویند که او هر شب در پارک‌ها و پشت‌بام خانه‌اش قدم می‌زند و جواب

سؤال‌ها را که از یک قاچاقچی سئوالات کنکور خریده مرور و حفظ می‌کند.

تلوویزیون جمهوری اسلامی برای نشان دادن این که در ایران هم دموکراسی و آزادی وجود دارد فیلم خبری کوتاهی تهیه کرد که طی آن از مردم پرسیده بود که اگر جلوی رییس جمهور آقای احمدی‌نژاد باشند از او چه سئوالی خواهند کرد؟ جالب‌ترین جواب را هم یک هموطن خرم‌آبادی به صاحب‌گرا ارایه کرد.

او گفت: سؤال من؟ از ایشان می‌پرسم آقای احمدی‌نژاد این واقعا قیافه خودتد یا داری ادا درمیزی؟!

### تسلیت

به رسم هر سال فرا رسیدن نوروز باستانی را به تمام کارکنان روزنامه «کپهان» و سردبیر محترم آن نشریه و خانواده وابسته تسلیت عرض می‌نماییم. امید داریم این غم آخرتان نباشد! انجمن پارسیان و ایران‌دوستان داخل و خارج از کشور

### اخبار سینمایی

مراسم بزرگداشت اصغر فرهادی، برنده اولین اسکار برای سینمای ایران، که قرار بود در تالار ایوان شمس در تهران برگزار شود لغو شد و بسیاری از علاقمندان او و سایر فعالان هنری و سینمایی در ایران طی بیانیه‌های مختلفی این حرکت دولت را محکوم و ابراز تاسف کردند. مسئولین برگزاری این مراسم به بهانه‌های زیادی برای برهم زدن این مراسم روی آورده‌اند و خنده‌دارترین آن‌ها این بود که خانم آنجلینا جولی و سندرا بولاک و مادونا وقت شرکت در این مراسم را نداشته‌اند و مسئولین هم تصمیم به لغو آن گرفتند!

### پاسخ به خوانندگان

امسال هم مثل سال‌های قبل نامه‌های زیادی به این نشریه و این صفحه از این نشریه رسیده و سئوالات زیادی درباره موضوعات مختلف از سوی

### شوخی عکسی



جنتی: راز سلامت من خوردن یک مشت قرص مولتی ویتامین اون هم ساخت آمریکاست. قرص‌های چینی و اروپایی را ولش کن کارکرد نداره!



در حاشیه آخرین جلسه مجلس خبرگان: بهت گفتم به این‌ها برنج و کباب و دوغ نده وسط جلسه خوابشون می‌بره!

و نگذارد بالا رود؟! – همان امام.

\* ما با همه مردم دنیا در حال جنگ نیستیم و همه کشورهای دنیا از ما بدشان نمی‌آید. همین آقای چاوز را ببینید که چطوری این رییس جمهور محبوب ما را ماچ مالی می‌کرد و ول کن هم نبود!

– همان امام، جای دیگر.

\* چرا آمریکا نمی‌خواهد ما سلاح‌های اتمی داشته باشیم وقتی که همه این سلاح‌ها برای مصارف صلح‌جویانه است!

– همان امام، یک جای دیگر.

\* وقتی که آمریکا قرعه‌کشی گرین کارت می‌گذارد تا نخبه‌ها و مغزهای ما را بردارد و ببرد چرا ما نباید مقابله به مثل کنیم و قرعه‌کشی گرین کارت ایران را بگذاریم و آمریکایی‌ها را به ایران بیاوریم؟

– همان امام در جاهای دیگر.

\* برای این که ما هم استکبار جهانی شویم باید با تمام قدرت با استکبار جهانی مبارزه کنیم.

– همان امام در جای دیگر.

### آدم و حوا و نوروز

دیشب داشتیم از خودم می‌پرسیدم آدم و حوا برای عید نوروز چکار می‌کردند؟ آن موقع تقویم و ساعت وجود نداشت و احتمالاً نمی‌دانستند ساعت و دقیقه و ثانیه دقیق تحویل سال نو چه موقع است. توپ هم هنوز اختراع نشده بود تا توپ تحویل سال را بشنوند.

آدم و حوا برای چهارشنبه‌سوری چکار می‌کردند؟ آن موقع هنوز آتش کشف نشده بود. آیا آن‌ها مثل دو تا دیوانه از روی بوته‌های خاموش و شعله‌ور نشده می‌پریدند؟

آیا آدم و حوا که همیشه لخت و عور بودند به فکر کفش و لباس نو برای نوروز و عیدی بودند؟ آدم و حوا برای دید و بازدید عید چکار می‌کردند؟ با توجه به این که کسی غیر از آن دو نفر وجود نداشت آیا آدم به دیدن حوا می‌رفت و حوا بازدید او را پس می‌داد؟ به آدم و حوا چه کسی عیدی می‌داد؟ پدرشان یا مادرشان؟ عمه و خاله و عمو و دایی آن‌ها؟

آدم و حوا برای سیزده بدر به کجا می‌رفتند؟ اگر آن‌ها همیشه در دشت و جنگل و صحرا زندگی می‌کردند سیزده بدرشان زیاد معنی نداشت. قیافه حوا را مجسم کنید که آدم از او می‌پرسید آیا برای روز سیزده بدر دوست دارد پیک نیک سیزده بدر برود و یا در خانه بماند و تلویزیون تماشا کند؟ و سؤال آخر: آیا حوا واقعا آدم را دوست داشت و یا روز سیزده بدر بپوشکی سبزه گره می‌زد تا شوهر خوبی نصیبش شود؟

### برنده کدام است؟

بیشتر متفکران و تئورسین‌های سیاسی و اقتصادی دنیا پیش‌بینی کرده‌اند که سال جدید که هم می‌تواند سال ۲۰۱۲ میلادی و هم سال ۱۳۹۱ هجری شمسی ایرانی باشد سال برخورد سه قطب و مکتب فکری دنیا است. آن‌ها این سه قطب را کمونیسیم، اسلامیسیم و کاپیتالیسیم برشمارده‌اند.

شکست و پیروزی این سه گروه بسیار غیرقابل پیش‌بینی توصیف شده است. ای کاش نتیجه این برخورد کمی قابل پیش‌بینی بود تا من تکلیفم را با این دنیا و زندگی روشن می‌کردم؛ یا خودم را برای کار شاق در اردوگاه‌های کار اجباری آماده می‌کردم و همه املاک و اموالم را قبل از این که دولت بخورد می‌فروختم و یا می‌بخشیدم، یا خودم را با ایجاد نقش جای مهر نماز روی پیشانیم مزین و ملون می‌کردم و سعی می‌کردم برای مهمانی‌های آخر هفته از امام جمعه‌های شهرم دعوت کنم.

شاید هم یک پاسپورت بین‌المللی جور می‌کردم تا در زیباترین ساحل‌های دنیا در مجل‌ترین هتل‌های جهان که توسط کمونیست‌های کوبایی و ونزوئلایی ساخته شده‌اند و توسط برادران و خواهران لبنانی و فلسطینی مسلمان اداره می‌شوند پولم را خرج می‌کنم و از دنیا لذت ببرم!



مسعود ناصری

massoudnasseri@comcast.net

### ادبیات بهاری و نوروزی

#### پرند بهاری

بسیاری می‌گویند یکی از نشانه‌های رسیدن بهار چهچه پرنندگان است که از شادی آواز سر داده‌اند. بسیاری از این بسیارها احتمالاً صدای خواندن آواز پرنندگان دیگر در فصول دیگر را به خاطر تعبیض به نفع بهار شنیده‌اند. اصلاً چه کسی مطمئن است که چهچه زدن پرنندگان در بهار از خوشحالی آن‌ها است؟ از کجا معلوم که از آمدن هوای گرم ناراحت و عصبانی نباشند و چهچه زدن آن‌ها نوعی غر زدن به طبیعت چهار فصل خداوند نباشد؟ می‌دانید پرندها با این همه پر در گرمای بهار و تابستان چه بدبختی می‌کنند؟

#### شکوفه درختان و میوه

چرا نباید تصور کرد که دو بهار در سال بهتر از یک بهار در سال است؟ دو عید نوروز داشتن کجایش بد است؟ آیا خالق عالم نمی‌توانست کاری کند که درختان در سال دو بار شکوفه بزنند؟ می‌دانید چقدر میوه در سال نصیب مردم زمین می‌شد؟ حالا به درخت فشار می‌آمد و کارش بیشتر می‌شد و درخت نر کمی بیشتر باید گرده‌افشانی می‌کرد و یا تعطیلات زمستانی آن‌ها می‌مالید بحث دیگری است ولی تصورش آن هم در این ایام نوروز کیف ندارد؟

#### عشق‌بازی درختان در بهار

بهار آغاز فصل گرده‌افشانی درختان است. طبیعت اسپرم‌های نر را با کمک وزش باد بر روی درختان ماده می‌پاشد تا درخت ماده را حامله کند. بسیاری از اوقات درخت ماده مایل به این عشق‌بازی زورکی نیست. آیا درخت ماده حق ندارد بداند پدر بچه‌هایش کدام درخت است که گرده آن را باد آورده است؟

زنهورها بسیار به گرده‌افشانی گل‌ها و بوته‌ها و درختان کمک می‌کنند. کسی نمی‌داند چرا آن‌ها در کار عشق‌بازی دیگران فضولی می‌کنند؟ به آن‌ها چه ربطی دارد؟

### مهم‌ترین حرف‌های

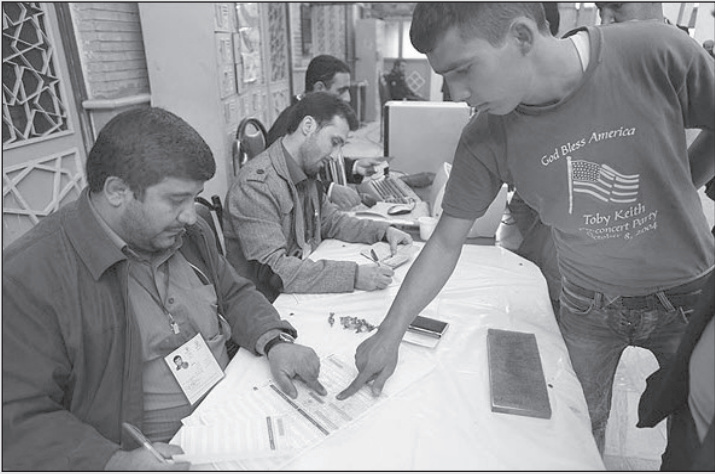
#### سال اخیر

\* اگر آمریکا با تحریم خودش قصد دارد که ما نتوانیم گندم بخیریم ما خم به ابرو نمی‌آوریم و می‌توانیم مدت‌ها نان خالی بخوریم!

– امام جمعه ارومیه.

\* این چه آمریکایی است که می‌خواهد علیه ما تحریم بگذارد وقتی که خودش حتی نمی‌تواند قیمت دلارش را در بازار صرفان ایران کنترل کند

## شوخی عکسی



پسر جوان ایرانی: آقا مطمئنید اگر من اینجا انگشت بزنم آقای باراک اوباما رییس جمهور ایران میشه؟!



دوستان عزیز، رای‌های دوره بعدی انتخابات ریاست جمهوری آماده است!

کسی که شب و روزش را برای اعتلای نژاد آریایی و اثبات برتری آنان در مقابل نژادهای دیگر و کس دیگری که شب و روزش را برای تحقیر و نکوهش این نژاد سپری می‌کند را با هم مقایسه کرد؟

## شوخی‌های تلفنی

### با ایران

همان‌طور که قبلاً هم چند بار توضیح داده‌ام یکی از رفقای من که در کار فروش کارت‌های تلفن راه دور است چند کارت مجانی به من داده تا استفاده کنم. از آنجا که در ایران کس مهمی را ندارم که به او زنگ بزنم دقایق مجانی کارت‌هایم را با شوخی کردن با هموطنان داخل کشور مصرف می‌کنم.

تلفن اول

- رینگ... رینگ...  
- صدای بوق مشغول  
دوباره شماره می‌گیرم (و یک فحش هم به رفیقم که این کارت را داده می‌دهم)  
- رینگ... رینگ...  
- الو؟  
- الو، سلام آقا.  
- سلام، جنابعالی؟  
- من جواد هستم.  
- اینقدر از خود نامطمئن؟  
- نه منظورم اینه که اسمم جواد است نه این که جواد هستم.  
- خب، این یک چیزی. فرمایش؟  
- از دفتر کنترل ارز جناب رییس جمهور و در ارتباط با جهاد اقتصادی زنگ می‌زنم.  
- چکار دارید؟  
- حتما شنیده‌اید که دلار بالا رفته، درست؟

- بالا که نرفته، به عرش الهی رسیده!  
- به هر حال جناب دکتر از هموطنان تقاضای کمک دارند.  
- دکتر کیه؟  
- دکتر احمدی‌نژاد.  
- ایشان دکتر هستند؟  
- بله، نمی‌دانستید؟ ایشان مهندس ترافیک و دکتر عمران هستند.  
- پس چرا نه ترافیک درست و حسابی داریم و نه جایی کارهای عمرانی صورت گرفته؟  
- لطفاً شعار ندهید. این تلفن ممکن است

می‌کن و در دجله انداز / که ایزد در بیابانت دهد باز.

این یعنی چی؟ بلیت هواپیما بگیری و کلی خرج کنی و بروی کنار رود دجله. حالا اگر از اتومبیل هم استفاده کنی کلی پول بنزین باید بدهی. خر و الاغ و شتر هم گیر نمی‌آید که مقداری صرفه‌جویی در پول و هزینه مسافرت کرده باشی. به هر حال باید کلی خرج کنی که به رود دجله برسی.

بعد هم دوباره بروی در یک بیابان که نتیجه انداختن این چیز به آب را از خداوند بگیری! حالا چرا نباید در همان رودخانه پاداش خودت را از خداوند بگیری؟ مگر خدا سفته‌میده؟

یا این ضرب‌المثل را: آب که از سر گذشت چه یک نی چه صد نی.

طبیعی است که در آن زمان خط‌کش و متر نبود و وسیله اندازه‌گیری نی بریده شده از نیزارها بوده است. مشخص هم هست که آن زمان علم فیزیک نبوده که بدانند فشار آب یک نی با فشار صد نی خیلی فرق می‌کند. با یک نی می‌توان شنا کنی و به سطح آب بیایی و با صد نی صد بار مرده‌ای.

و با این ضرب‌المثل: دندان اسب پیش‌کشی را نمی‌شمارند.

گاهی خوب است که هر هدیه‌ای را آدم بررسی کند. چرا نباید دندان این اسب را شمارد؟ اگر این اسب را به شما کادو داده‌اند و دندان‌هایش کم است آیا نمی‌تواند دلیل این باشد که شخص کادو دهنده زیاد شما را دوست ندارد و به جای یک اسب با دندان‌های سالم و مسواک زده سفید یک اسب با دندان‌های کمتر از حد معمول هدیه داده است؟

و یا این ضرب‌المثل: برو کار می‌کن مگو چیست کار / که سرمایه جاودانی است کار. درست است که در آن زمان جنگ بین کارگران و کارفرمایان و ارزش اضافه سرمایه وجود نداشته است اما اگر کار سرمایه‌بند فکری نمی‌کنید کارگران باید به این ضرب‌المثل اعتراض داشته باشند؟

در شماره‌های آینده باز هم درباره بعضی از این ضرب‌المثل‌های بدون اساس و پایه عملی که آن‌ها را به ایرانیان نسبت داده‌اند سخن خواهیم گفت...

## افکار عمیق نژادی

من اصلاً متوجه حرف کسانی که احمدی‌نژاد را با آدولف هیتلر مقایسه می‌کنند نمی‌شوم. از قضیه برهان خلف یا شقیقه‌گذشته‌چطور می‌توان

روسی دارد! از صد و یک میلیارد روسی هفتاد و نه نفر آن‌ها در شهر مسکو زندگی می‌کنند. این موسسه نتیجه‌گیری کرده که بدین ترتیب شهر مسکو شهر نیویورک قلب کاپیتالیست دنیا را از لحاظ تعداد میلیاردی پشت سر گذاشته است!

اصطلاح «نه به آن شوری شور نه به این بی‌نمکی» و شاید هم «نه به آن بی‌نمکی و نه به این شوری شور» را باید در اینجا به کار برد که کمونیست‌های سابق حالا کاسه داغ‌تر از آش شده و گوی رقابت را از کهنه‌کارهای کاپیتالیست ربوده‌اند. اشکالی هم ندارد. دنیا همین است. مگر ما کاسه داغ‌تر از عربستان سعودی برای گسترش اسلام نشده‌ایم؟!

## باز هم از نادر و سیمین

درباره بردن جایزه اسکار توسط اصغر فرهادی هنوز هم در ایران بحث فراوان است. گروهی مشوق و هوادار او شده‌اند و گروهی حسود زبان به انتقاد از فیلم او در مراسم اسکار گشوده‌اند که چرا از فلان خانم ماج گرفته و یا با زن دیگری دست داده است.

در این وسط از همه قاطی‌تر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی است که نمی‌داند با این اسکار و این فرهادی چکار کند. زبان تیز داستان بسیار ساده و طبقات جامعه امروز ایران را به تصویر کشیده است. صحنه به یاد ماندنی فیلم که در تبلیغات جهانی این فیلم هم گنجانیده شده است گفت و گوی نادر و سیمین در ابتدای فیلم است همان صحنه‌ای که سیمین از قاضی می‌پرسد: شما از این آقا بی‌رسید چرا نمی‌خواهد با من به خارج بیاید؟ و نادر جواب می‌دهد: به خاطر پدرم که آلزایمر دارد.

سیمین می‌گوید: او که نمی‌فهمد تو پسرش هستی و نادر جواب می‌دهد: ولی من که می‌دونم او پدر من است.

به گزارش خبرنگار سینمایی ما در ایران گویا جلسه‌ای در وزارت ارشاد بوده که طی آن چند نفری پیشنهاد می‌کنند از اصغر فرهادی در مراسم بزرگی تجلیل و قدردانی شود. وزیر ارشاد گفته بود: این بابا ما را گذاشته سر کار با این فیلمش و تمام دیالوگ‌ها پیام‌های مخفی و خفن و سمبولیک به تماشاگر می‌دهد.

در این جلسه گویا کسی گفته بود: ولی همه مردم که آگاه نیستند و نمی‌فهمند که این فیلم چه گفته. وزیر ارشاد هم جواب می‌دهد: اون‌ها نمی‌فهمند که این چی گفته ولی من که می‌دونم این چی گفته! (درست مثل حرف‌های سیمین و نادر). تاثیر فیلم را حال کنید!

## آخرین خبر از سوریه

خبر بد نوزدهم اسفند این است که بشار الاسد حاضر به ترک تخت و تاج نیست و برای ادامه حیات سلسله دیکتاتوری خودش به نظامیان و ارتش ویژه خود دستور داده که برای خاموش کردن صدای اعتراضات تا آخرین نفر را بکشند. او در آخرین جلسه با نظامیان این دستور را صادر کرده و قبل از ترک جلسه به ژنرال‌های خودش گفته: اصطلاح تا آخرین نفر را بکشید مشمول حال من نمی‌شود!

## تسلیت!

بدین وسیله مراتب صمیمانه‌ترین و عمیق‌ترین تسلیت‌های خود را جهت انتصاب جناب آقای سعید مرتضوی دادستان اسبق تهران به ریاست سازمان تامین اجتماعی جمهوری اسلامی ایران به بازماندگان و قربانیان زندان کهریزک اعلام می‌نماییم.

دفتر انجمن حقوق بشر سازمان ملل

## شوخی با

### ضرب‌المثل‌های ایرانی

آیا هیچوقت فکر کرده‌اید که این ضرب‌المثل‌های اصیل ایرانی چقدر لوس و غیرمنطقی و خنده‌دار هستند؟ آن هم به حساب استانداردها و برداشت‌های امروزه جامعه بشری. مثلاً این ضرب‌المثل را نگاه کنید: تو نیکی



اسکار ۲۰۱۲ میلادی

اسکار ۲۰۱۲ میلادی

تفاوت جایزه‌ها!

کنترل شود.  
- بفرمایید که با من چکار دارید؟  
- می‌خواستیم ببینم شما دلار دارید؟  
- چی چی؟  
- دلار! دلار آمریکا، کانادا...  
- نه آقا من دلارم کجا بوده مگر من صرفم؟  
- یورو چی؟ یورو ندارید؟  
- نه آقا من یورو ندارم. دلار هم ندارم. حالا برای چه می‌پرسید؟  
- می‌خواستم خواهش کنم اگر دلار دارید برای این که کار تزریق ما درست انجام شود به ما کمک کنید.  
- شما معتادید؟  
- بله؟  
- هرویین توی رگ می‌زنید؟ چی تزریق می‌کنید؟ من که مواد ندارم.  
- نه آقا می‌خواهیم دلار به بازار تزریق کنیم و چون به اندازه کافی نداریم، مرگ بر آمریکا و اسرائیل می‌خواستیم از هموطنان بخواهیم به عنوان یارانه دلارشان را به بانک مرکزی بدهند تا نقدینگی دلار ما بالا برود و قیمت‌ها پایین بیاید.  
- نه آقا من پولم کجا بوده! این چهل هزار تومان یارانه را دادید حالا می‌خواهید از ما پس بگیرید.  
- به نفع خودتان هم هست. قیمت دلار پایین بیاید قیمت خواربار هم پایین می‌آید.  
- برو آقا، اذیت نکن.  
- سکه طلا چی؟ سکه طلا ندارید؟ به عنوان خمس بدهید...  
- برو آقا... مزاحم نشو...  
- صدای قطع تلفن و بوق آزاد...  
تلفن دوم  
- رینگ رینگ...  
- الو؟  
(توی دلم می‌گویم چه عجب به ایران زنگ زدی و دفعه اول افتاد)  
- الو؟ سلام آقا.  
- سلام!  
- حال شما خوبه؟  
- شکر خدا. نفسی میاد و میره!  
- تنگی نفس دارید؟  
- نه آقا، داشتم تعارف و چاق سلامتی می‌کردم. جنابعالی؟  
- من اکبر حسین‌زاده هستم از سازمان انرژی اتمی زنگ می‌زنم.

- قراره برق اتمی مجانی به ما بدهید؟  
- نه آقا، فقط چند تا سؤال کوچک داشتم. یک نظرخواهی کوتاه داریم انجام می‌دهیم. بفرمایید.  
- شما اخیراً در نزدیکی یکی از مراکز هسته‌ای کشور بوده‌اید؟ حتی چندین کیلومتری؟  
- مثلاً کدام مرکز؟  
- من نمی‌توانم اسمشان را بگویم. جزو اسرار امنیتی کشور هستند.  
- خب، من از کجا بدانم که کجا بوده‌ام؟  
- شما بگویید کجا بوده‌اید تا من بگویم مرکز هسته‌ای نزدیک آن بوده یا نه. مسافرت‌های اخیر شما به کجا بوده؟  
- یک سفر مشهد رفتم.  
- نه!  
- یک سفر یزد پیش خواهرم.  
- نزدیک نطنز هم بودید؟  
- تقریباً.  
- بعد از این سفر هیچ نوع مرض پوستی، ربوی، مغزی داشته‌اید یا نه؟  
- نه فکر نمی‌کنم.  
- موهابتان نریخته است؟  
- قبلاً ریخته بود.  
- استفراغ یا خون در مدفوع، درد استخوان، هیچ کدام از اعضا بدن شما خود به خود نیفتاده پایین؟  
- نه!  
- میل جنسی شما کم‌تر نشده؟  
- نمی‌دانم. باید از خانم بپرسید!  
- شما چند سالتان است؟ چند تا صیغه دارید؟  
- بنده ۴۹ ساله هستم. صیغه هم ندارم.  
- عجب! آیا این میل به صیغه نداشتن قبل از رفتن به نطنز بود یا بعدش؟  
- من نطنز نرفتم. گفتم که رفته بودم یزد.  
- آیا آنجا گز پسته‌ای هم خریدید؟  
- آره، چطور مگه؟  
- بعد از این که این گز را خوردید میل جنسی شما کاهش پیدا کرد؟  
- نه آقا! این حرف‌ها چیه؟  
- سؤال را جواب بدهید. نمی‌خواهم از خانم بپرسم تا شما خجالت‌زده شوید.  
- برو آقا... مزاحم تلفنی هستی؟  
- نه بخدا!  
- همین که گفتمی به خدا فهمیدم مزاحم هستی و ما را گذاشتی سر کار...  
- نه بخدا!  
- صدای قطع تلفن و بوق آزاد...